

شمع جمع

شرح حال آیت الله

ملا حسین قلی همدانی (ره)

کتاب دانشجو  احمد نثاری

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه

۱۵	فصل اول: کلیات
----	----------------

۱۷ بخش اول: زیست نامه. ۱۷ آغاز. ۱۸ دوران نجف. ۲۳ حلقه درس. ۳۰ آثار. ۳۱ کوچ. ۳۳ بخش دوم: در آئینه خوبان. ۳۵ بخش سوم: جمال آفتاب. ۳۵ تجرد مثل این است. ۳۶ ذکر موت. ۳۶ من مرید شما هستم. ۳۷ من می‌خوانم، شما بنزید. ۳۸ فیوضات حضرت امیر. ۳۹ یک قطعه حصیر. ۳۹ گریز از شهرت. ۳۹ ضرر دنیوی و ضرر اخروی. ۴۰ کفش آن‌ها را جفت کن. ۴۱ نیاز تو در قلب من است. ۴۱ الهام از یک واقعه. ۴۲ راهی برای اصلاح نفس. ۴۳ خدا برایت می‌رساند. ۴۵ بخش چهارم: سیمای عارف، زاهد و عابد. ۴۵ عرفان و عارفان. ۴۹ زهد و زاهدان. ۵۱ عبادت و عابدان.

۵۷	فصل دوم: مکتب اخلاقی - عرفانی
----	-------------------------------

۵۹ بخش اول: مکتب اخلاقی آخوند. ۶۵ بخش دوم: مراقبت نفس. ۶۵ مراقبت: معنی و اقسام. ۷۴ مراقبت نفس؛ چگونگی و آثار. ۸۰ حقیقت مراقبت نفس. ۸۷ بخش سوم: ولایت‌شناسی و ولایت یابی. ۹۰ ولایت: معنی و مقام. ۹۰ راه‌های وصول به ولایت.

۹۵	فصل سوم: آموزه‌های اخلاقی سلوکی
----	---------------------------------

۹۷ بخش اول: چکیده‌ای از آموزه‌ها و دستورالعمل. ۱۰۳ بخش دوم: دستورالعمل‌های اخلاقی سلوکی. ۱۰۴ دستورالعمل اول. ۱۰۹ دستورالعمل

دوم. ۱۱۳ دستورالعمل سوم. ۱۱۴ دستورالعمل چهارم.

فهرست آیات	۱۱۹
فهرست اشعار	۱۲۱
فهرست منابع	۱۲۳
فهرست اعلام	۱۲۹

پیشگفتار

گرانیاگاه جهان جدید، طرح پرسش‌ها و آموزه‌های معرفت‌شناختی تازه است. اکنون در آشوبناکیِ روزگار معاصر، بشریت نیازمند به همواره دیگرگونه زیستن، خرد را چراغ افق‌های تاریک فرادست کرده‌است. بی‌تردید، امروزه هر ذهن اندیشنده ژرف‌کاو، در هر سرزمین و به هر آئین، با این پرسمان جدی تاریخی رویارو است که: «ما در کجای جهان ایستاده‌ایم؟»

با برآمدن آفتاب درخشنده و فروزنده انقلاب اسلامی در سرزمین ما، هویت فرهنگی و تاریخی ایرانیان، در فصل تازه خویش، طلیعه تمدنی تازه را نوید می‌دهد که بر بنیاد ایستارها و انگاره‌های قدسی دین شکل می‌گیرد. نیز از این رو است که در بستر این تمدن‌سازی ایمانی، چالش‌های مرتبط با عرصه‌های دین و تدین، دانش و پژوهش علم و فن‌آوری و مفاهیم و سازه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، همه و همه، با همراهی بی‌شماری از پرسش‌های دراز دامن و نفس‌گیر، در حیات جمعی جامعه ما، به ویژه در میان دانشجویان پرسنده و پژوهنده، بسط یافته‌اند. ذهن تکاپوگر و فرهیخته دانشجوی معاصر، نیازمند آن است که در فرایند هم‌ارزی و یا تقابل نهادهای مدرن و ساختارهای برآمده از آن‌ها با لایه‌های تمدن

شکوه‌مند اسلامی برای انبوه پرسش‌های خویش، پاسخ‌هایی سخته و سنجیده بیابد.

روشنفکران و اندیشه‌ورزان ما، اکنون و بیش‌تر و ژرف‌تر از هرگاه دیگر، باید به بازسنجی دستاوردهای عقلانیت مدرن بپردازند و ایستاده بر سکوی استوار مشرب شرقی خویش، در بازتولید اندیشه‌های مینوی و ادبیات معنوی، طرحی نو در اندازند. افسون‌زدایی از ساحات افق‌های مادی‌گرایانه و فرآوری نگره‌های نو، متناسب با شؤون حیات امروزیین آدمیان، نخستین و بایسته‌ترین مسؤولیت خردورزان است.

کانون اندیشه جوان، چونان نهادی برآمده از متن ناگزیر بایسته‌ها و ضرورت‌ها، می‌کوشد تا به مدد همت بلند ارباب دانش و پژوهش و با هدف بسط و توسعه فرهنگ فیاض دین، نیازهای فکری جوانان دانش‌پژوه را به فراخور توانمندی‌های خویش پاسخ گوید و قیسی از مشعله همواره فروزان لاهوت را در پیش چشم‌های نگرنده و نگران آنان بدارد؛ باشد که این نهال نو، روزاروز، برگ و باری تازه گیرد و طراوت و شادابی افزون‌تر پذیرد.

این کتاب، حاصل یکی از همین کوشش‌های همدلانه و همراهانه در باب شرح احوال عارف وارسته *آیت‌الله ملاحسین قلی همدانی (ره)* است. تلاش محقق گرامی، جناب آقای *احمد نثاری* را ارج می‌نهم و امید می‌بریم که این مکتوب دریچه‌ای روشن فراروی خوانندگان ارجمند بگشاید و بر خردمندی و خرسندی آنان بیفزاید.

کانون اندیشه جوان

مقدمه

عرفان، نوعی معرفت سلوکی، ذوقی، کشفی و باطنی است که بر تهذیب نفس، سیر و سلوک، طی مقامات و منازل، تزکیه درون و طهارت روح تکیه دارد. ره آورد آن نیل به مقام «توحید ناب» و «لقای رب» می باشد که متفرع بر معرفت کامل به ذات الاهی است. خاستگاه و بستر اصلی آن، فطرت کمال خواه و تعالی طلب انسان است و محور و مدار آن، قرآن کریم، سنت و سیره علمی و عملی معصومین (ع) می باشد که در «صراط مستقیم» الاهی تجلی می یابد.

آری! عارفان حقیقی کسانی هستند که از رهگذر «ولایت» بر مدار «شریعت» و طی طریق و صراط مستقیم رب به مقامات معنوی و فتوحات غیبی راه یابی داشته تا به مرتبه فنای کامل دست یازند. چنین عارفانی دارای اوصاف و مختصات هستند که با واژه «عالم ربانی» قابل شناسایی می باشند. اینان نه درون گرا، انزواگرا و رهبانیت پیشه از نوع افراطی و صوفی گرانه اش هستند تا از جامعه و درد آن و اصلاح اجتماعی به دور باشند و نه برون گرا، جامعه محور و عمل زده که از تربیت و تزکیه خویشتن بازمانند. یعنی نه خط افراط و نه راه تفریط، بلکه صراط مستقیم «اعتدال» را در همه ابعاد وجودی خویش طی می نمایند تا پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) را

که امیر عارفان و قطب سالکان حقیقی هستند «أسوه حسنه» خویش قرار دهند و درد خدا و خلق را به هم گره زنند و به واقع، مصداق این سخن حق قرار گیرند که فرمود:

پاک مردانی (مردان پاکی) که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا غافل نمی‌گرداند.^۱

لذا عرفان و حیانی (قرآنی - روایی) همانا از رهگذر معرفت نفس (خودشناسی)، مراقبت نفس و محاسبیت نفس آغاز می‌گردد تا از خود به سوی خدا در یک فرایند مشخص و ضابطه‌مند، روشمند و قانونمند تکامل یابد. این سیستم و نظام معرفتی - سلوکی نیز در مجموعه تعالیم و آموزه‌های اصیل اسلامی تبیین شده است و الگوهای عینی و اسوه‌های کامل عملی آن نیز معرفی شده‌اند.

مرحوم آیت‌الله ملاحسین قلی‌همدانی (رض) به حقیقت از الگوهای برتر و کامل سالک کوی حق و عاشق دیار محبوب و شائق لقای معبود بر همین صراط قویم و راه راست قرآنی - عترتی بوده است که مشرب اخلاقی و مسلک عرفانی او نیز بر خودشناسی، خودسازی و تربیت نفس و همچنین رسیدن به توحید کامل بر محور شریعت حقّه محمدیه (ص) استوار بوده است.

امام علی (ع) می‌فرماید:

عارف کسی است که نفس خویش را شناخت و آزادش ساخت و آن‌را از هر چه (از خدا) دورش می‌کند و به هلاکش در می‌افکند، پاک و مبرا

داشت.^۱

ابن سینا نیز گفته است:

پس آن کس که فکر خود را متوجه عالم قدس کرده است تا نور حق پیوسته بر باطنش بتابد «عارف» نامیده می‌شود.^۲

آن کس که فکر خود را متوجه عالم قدس کرده است تا نور خدا (حق) علی‌الاتصال (همواره) بر جان‌ش بتابد عارف نامیده می‌شود. در فرازی دیگر عرفان را چهار مرحله می‌داند:

۱. تفریق (جداسازی بین عارف و هر چه او را از خدا دور می‌نماید)

۲. نفی (پاک کردن دامن خود از هر چه آلودگی اشتغال به غیر خدا است)

۳. ترک (یعنی سالک و عارف ذات خود را به کلی رها سازد)

۴. رفض (یعنی تنها خدا را ببیند و غیر خدا را رها سازد). که تکیه بر خودسازی و رهایی از همه اعتبارات و قیود است.^۳

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است^۴

۱. میزان‌الحکمه، ج ۶، ص ۱۵۹.

۲. الاشارات والتنبیها، نمط نهم، ص ۳۶۹، ج ۳؛ استاد شهید مرتضی مطهری، مقالات فلسفی،

ج ۲ ص ۱۵۱-۱۴۸؛ علامه حسن‌زاده آملی، دروس شرح نمط نهم، ص ۵۹.

۳. همان ص ۳۸۸؛ دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، دفتر عقل و آیت عشق، ج ۱

صص ۱۶۷-۱۶۶؛ و همچنین آیت‌الله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۱۰ صص

۲۹۲-۲۹۱، می‌فرمایند: تفریق مبالغه در فرق و به معنای زیاد جدا کردن، نفی یا تکاندن و

سپس ترک همه چیز و آنگاه خود تکانی یا رفض است.

۴. دیوان حافظ، ص ۲۷ به تصحیح و مقابله شاهرودی.

امام علمی (ع) می‌فرمایند:

نفس‌ها و جان‌هایتان را از خواهش‌های نفسانی و پلیدی‌های درونی پاک

سازید تا درجات و مقامات بلند معنوی را به دست آورید.^۱

پس بین طهارت درونی و ادراک حقایق هستی و نیل به درجات و

مقامات بلند عرفانی، نسبت شرط و مشروطی یا علی و معلولی برقرار کرده‌اند.

اگر به سنت و سیره علمی و عملی مرحوم ملاحسین قلی همدانی (رض) نیم‌نگاهی افکنیم، همین حقایق را مشاهده می‌کنیم که چگونه ایشان بر خودشناسی و خودسازی تکیه و تأکید دارند و شاه‌کلید سیر و سلوک تا مقام شهود و لقا را در همین معانی و مراتب تکاملی جست‌وجو می‌نمایند.

حال چه زیباست بدانیم و بیابیم که آن مرحوم، خود از جمله فقیهان، مجتهدان و شریعت‌شناسان سترگی است که سال‌های متمادی به تحصیل و سپس تدریس فقه و اصول پرداخته‌اند، لکن برحسب دستورالعمل استادشان مرحوم سیدعلی شوشتری به تربیت شاگردان اخلاقی - سلوکی اهتمام ورزیده‌اند و موازین شرعی را کاملاً منظور و ملحوظ داشته‌اند. یعنی فقه و شریعت را مبنای حرکت درونی و سلوک باطنی گرفته و از آغاز تا انجام و از اول تا آخر و فرجام سلوک، پیروی و تبعیت کردن از شریعت را لازم دانسته‌اند و معتقد بودند که شریعت، کامل‌ترین دستورالعمل‌های عرفانی و سیروسلوکی را داراست که از انجام واجب و ترک حرام آغاز

۱. «غررالحکم»، ج ۶۰۲۰، میزان‌الحکمه با ترجمه فارسی، ج ۱۰، ص ۴۹۹۲ و حکمت عملی با

اخلاق مرتضوی، ص ۱۱۲، کلمه سوم از مقاله پنجم.

می‌گردد. لذا شریعت در همه ساحت‌ها و طی مقامات عرفانی مرحوم همدانی، حضور و ظهور فعال دارد و هرگز سالک به بهانه شهود و فنا، از شریعت محوری محروم نخواهد شد. پس نه تنها شریعت و عرفان در تعارض با هم نیستند، بلکه لازمه عرفان و سلوک حقیقی، شناخت و التزام عملی به شریعت مبین و نورانی اسلام است.

همین نکته باریک‌تر از «مو» از نظر معرفتی و تیزتر از «شمشیر» از حیث عمل و سلوک، مرز و میز کاملی در تفکیک عرفان ناب اسلامی با عرفان صوفیانه و درویش‌مآبانه از یک سو و عرفان سکولار و لیبرال از سوی دیگر می‌باشد. امثال مرحوم آیت‌الله همدانی (رض) معیارهای عینی و محکم محکمی هستند تا پویندگان عرفان راستین را از عرفان خواهان دروغین جداسازی نمایند و نشان دهند که خط سیر مرحوم همدانی (رض) از مرحوم شوشتری (ره) استادش و سپس مرحوم سید احمد کربلایی، میرزا علی آقا قاضی، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تا علامه طباطبائی و آیت‌الله بهجت قمی هم‌چنان فعال، پویا، کارآمد و سازنده است. به همین دلیل بزرگان فرموده‌اند:

«راه چنان روید که راهروان رفتند»

و حافظ شیرازی سروده‌اند:

گرچه راهیست پر از بیم ز ما تا بر دوست رفتن آسان بود از واقف منزل باشی^۱
این نوشتار با عنوان «شمع جمع» پژوهشی است در شرح احوال

اخلاقی - عرفانی مرحوم آیت الله ملاحسین قلی همدانی (رض) و بر آن است تا خط اصیل عرفان قرآنی - عترتی را از سیمای سلوکی آیت عرفان و اُسوه سلوک الی الله به تشنگان معارف عرفانی و پویندگان سیر و سلوک باطنی عرضه نماید. امید است برای شما مخاطبین و دانش پژوهان جوان مفید باشد.

گفت که سرمست نه‌ای رو که از این دست‌نه‌ای	رفتم و سرمست شدم وز طرب آکنده شدم
گفت که دیوانه نه‌ای لایق این خانه نه‌ای	رفتم و دیوانه شدم سلسله بندنده شدم
گفت که شیخی و سری، پیشرو و راهبری	شیخ نیم پیش امر تو را بنده شدم
گفت که تو شمع شدی قبله این جمع شدی	جمع نیم شمع نیم دود پراکنده شدم
گفت که با بال و پری من پر و بالت ندهم	درهوس بال و پرش، بی‌پر و پرکنده شدم ^۱